

تأثیر نگاه مذهبی صفویان بر بایگانی‌های اسناد پیش از خود و مسئله تحریف اسناد

عمادالدین شیخ‌الحکمایی

چکیده:

به غیر از چند مجموعه کوچک اسناد که به صورت اتفاقی و در پرتو امنیت و تقدس برخی از اماکن مذهبی به دست ما رسیده است، آرشیوی رسمی متعلق به پیش از دوره صفوی باقی نمانده است. این موضوع و دلایل از بین رفتن بایگانی‌ها از پرسش‌هایی است که تاکنون پاسخی روشن بدان داده نشده است. این مقاله بر آن است تا ضمن بررسی این موضوع، و یافتن علت اصلی این نابودی گسترده، شیوه‌ای از تحریف و جعل اسناد را نشان دهد که متأثر از نگاه افراطی حاکمان مذهبی ایران در برخی از برهه‌های تاریخ ایران دارد. بدین منظور به عنوان نمونه چند سند با تاریخ‌های پیش از دوره صفوی مورد بررسی قرار گرفته و نشان داده می‌شود که این اسناد متأثر از نگاه ایدئولوژیک دچار تغییر و تحریف شده و در عین حال به عنوان سندی اصیل نمایانده شده‌اند.

کلیدواژه‌ها

بایگانی‌های کهن، جعل و تحریف اسناد، دوره صفوی، آستانه شیخ امین‌الدین بلیانی، کازرون، آستانه میرعلی حسین، بهبهان

آرشیو ملی، سال ششم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۹، شماره پیاپی ۲۱ و ۲۲:

صص: ۵۴-۶۸

تأثیر نگاه مذهبی صفویان بر بایگانی‌های اسناد پیش از خود و مسئله تحریف اسناد

عمادالدین شیخ‌الحکامی^۱

به جرأت می‌توان گفت که از آرشیوهای رسمی و حکومتی پیش از دوره صفوی در گستره ایران امروز چیزی باقی نمانده است. در حوزه اسناد شرعی و عرفی نیز که در حاشیه و یا مستقل از حکومت‌ها پدید می‌آمده و در دارالقضاها و یا محاضر قضات، بایگانی‌های کوچک و منطقه‌ای را تشکیل می‌دادند، نمونه‌ای باقی نمانده است. اندک آثاری که امروزه در شکل و قالب سند از دوره پیش‌صفوی در دست ماست، عمدتاً آثار متعلق به اماکن مذهبی و به‌ویژه آرامگاه‌های مورد احترام است. این دست از اسناد که در خود اماکن و یا نزد خاندان متولی آن بنا حفظ شده است، بیشتر از نوع وقف‌نامه و احکام تولیت و فرامین مرتبط با بناست. چرا که این نوع از اسناد به خاطر جاری بودن موضوعشان، نسبت به دیگر انواع سند پایدارترند. برای یادآوری و به‌عنوان مثال می‌توان از این اماکن مقدس که سند یا اسنادی از دوره پیش‌صفوی را محفوظ نگاه داشته‌اند یاد کرد:

آستانه شیخ صفی‌الدین اردبیلی، با تعداد ۵۳۰ سند قضایی و دیوانی پیش از سده نهم ق. (شیخ‌الحکامی، ۱۳۸۷)، آستانه امام‌زاده حسین قزوین (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۱)، اسناد آستانه سیدحسن ولی در نیاک مازندران (دانش‌پژوه، ۱۳۴۴، صص ۴۴۸-۴۸۱)، آستانه حضرت معصومه قم (مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۵، ج ۲، مدرسی طباطبایی، ۱۳۵۲)، آستانه نورالدین علی غازی در اردکان فارس (دانش‌پژوه، ۱۳۴۶، صص ۱۱۱-۱۲۹)، و آستان قدس رضوی در شهر مشهد (سیدی و دیگران، ۱۳۸۶، صص ۹۹-۱۲۷). در خارج از حوزه سیاسی ایران نیز اندک نمونه‌های بازمانده، عمدتاً در اماکن مقدس مانند حرم بیت‌المقدس با ۲۷ سند فارسی، (LITTLE, 1984) و کلیسای اچمیادزین ارمنستان (Papazian, 1968. Vol 3) نگهداری شده‌اند.

۱. پژوهشگر موسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران.

Emad_hokamii@yahoo.com

سال ۱۳۷۲ در پایان مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی یک وقف‌نامه» در معرفی سند مورخ ۷۱۵ قمری، به وجود نکات مبهمی در پنج سند متعلق به بقعه شیخ امین‌الدین بلیانی در شهر کازرون اشاره کرده بودم (وقف، میراث جاویدان، ش ۱، ص ۶۸). چند سال بعد (۱۶-۱۷ May ۲۰۰۸) این موضوع در قالب یک سخنرانی در سمینار «اسناد و تاریخ» موزه لور و مدرسه مطالعات عالی سورین در پاریس ارائه گردید. متن کامل مقاله نیز در سال ۲۰۱۳ در مجموعه مقالات این سمینار به زبان فرانسه منتشر شد (رک. کتابخانه).



موارد یادشده، نشان می‌دهد که مجموعه‌های آرامگاهی و خانقاهی از مکان‌های اصلی حفظ و نگهداری اسناد متعلق به همان بنا بوده و هم می‌توانسته است مکانی مطمئن برای سپردن اسناد و مجموعه‌های دیگر غیر مرتبط با آن مکان توسط مردم باشد. اساساً برخی از محاضر شرعی که به کار تولید سند در هر منطقه مشغول بوده‌اند، در کنار و تحت حمایت بقاع متبرکه فعالیت می‌کرده‌اند. این اماکن مسلماً به خاطر حرمت و تقدّسشان، می‌توانسته‌اند با ثبات‌تر و امن‌تر از مراکز حکومتی باشند که در چند قرن پیش از دوره صفوی دائماً در حال تغییر بودند. اما متأسفانه این نوع مکان‌ها نیز با روی کار آمدن حکومت‌های غیردینی و یا متعصب مذهبی که سعی در نابودی اندیشه رقیب داشتند، بارها مورد هجوم قرار گرفتند:

حملات مغولان بیگانه با فرهنگ و مذهب ایران زمین از یک‌سو و تخریب و به آتش کشیدن بسیاری از بقاع مورد احترام اهل سنت در آغاز حکومت صفویان و پاسخ متقابل از یک‌ها و افاغنه با اماکن مقدس شیعی، عملاً باعث از بین رفتن محاضر وابسته به این اماکن و یا اسناد موجود در این گونه بناها شده است.

دلایل بسیار دیگری نیز برای در دست نبودن و نابودی اسناد و بایگانی‌های کهن ایران مطرح شده است (Birgitt, ۱۹۹۰. pp. ۱۱۷-۱۲۲).^۱ بلایای طبیعی، کشمکش‌ها و نزاع‌های سیاسی و مذهبی درازمدت^۲، تغییر حکومت‌ها به وسیله شورش‌ها و انقلاب‌ها که همیشه با تخریب و غارت و سوزاندن همراه بوده است، نداشتن اندیشه ایجاد بایگانی به شکل صحیح یا نبودن برنامه درست حفظ و نگهداری اسناد از این جمله‌اند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰، ص ۳۵). نابودی عمدی اسناد را نیز می‌توان برای موارد افزود. گاه به اقتضای انقضای موضوع یک معاهده شرعی، اسناد مرتبط رسماً نابود می‌شده تا از آشفته‌گی‌های رایج در باب ادعای مدعیان جلوگیری شود. همچنان که مثلاً در دوره ایلخانی این گونه اسناد در «طاس عدل» شسته می‌شد (فضل‌الله همدانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۳۹۸). در مواردی نیز پس از مرگ قاضی و یا جابه‌جایی او از شهری به شهری دیگر، این اسناد «وراق باطله» به حساب آمده و به عنوان کاغذ دوا و کاغذ عطاری و کاغذ قند سر از دکان عطاری و صحافی بیرون می‌آورده است و به مصرف پیچیدن اجناس رسیده و یا به مقوای جلد تبدیل می‌شده است.

برخی از موارد یادشده، دلایلی کلی و عمومی است و دیگر مناطق جهان نیز کم و بیش شرایط مشابهی را تجربه کرده‌اند؛ اما فقر مطلق بایگانی‌های کهن در ایران شاید نیازمند دلایلی دیگر هم باشد! هدف این مقاله آن است تا با بررسی چند نمونه از اسناد متعلق به دو مکان مذهبی و خانقاهی، دلیلی بر دلایل پیشین بیفزاید و نوعی خاص از تحریف و جعل اسناد را بشناساند. دو مکان مورد نظر این بررسی، آستانه شیخ امین‌الدین محمد بلیانی در شهر کازرون^۳ و بقعه مشهور به شاه میرعلی حسین در شهر بهبهان (اقتداری، ۱۳۵۹، ص ۳۱۳؛ گاوبه، ۱۳۵۹، صص ۳۹۳-۳۹۶) است. پیشینه این دو بنا به سده هشتم ق. باز می‌گردد و شواهد موجود

۱. ترجمه فارسی در: وقف میراث جاویدان، ش ۲۹، سال هشتم، بهار ۱۳۷۹، ش ۲۹، صص ۱۲۳-۱۳۲.
۲. برای موضوع تاثیر نزاعهای ایدئولوژیک بر نابودی و تحریف کتابخانه‌ها و نسخه‌های دست نویس و دلایل آن رک: مایل‌هروی، ۱۳۸۰، ص ۳۶۹؛ شفیعی‌کدکنی، ۱۳۸۲، صص ۹۳-۱۱۰.
۳. درباره این شخصیت و خانقاه او رک: محمودبن عثمان، ۱۳۷۷.



مجموعه‌ای از اسناد در آن‌ها را نشان می‌دهد.

بقعه شیخ امین‌الدین محمد بلیانی در شهر کازرون اکنون به «امامزاده سیدامین‌الدین» مشهور است. به تصریح سیرتنامه شیخ، این بنا در سال ۷۱۰ ق. به دست خود او و به‌عنوان خانقاه (خانقاه علیا) ساخته شد. پس از مرگ شیخ در سال ۷۴۵ ق. وی را در همین مکان به خاک سپردند (محمودبن عثمان، ۱۳۷۶، مقدمه، ص چهارده). شیخ امین‌الدین بلیانی از صوفیان شهیر قرن هفتم و هشتم ق. (متولد ۶۷۰ ق.) است (محمودبن عثمان، ۱۳۷۶، مقدمه، ص یک). سخاوی در ضوءاللامع، ذیل نام عفیف‌الدین بلیانی، کامل‌ترین نسب این خاندان را این‌گونه آورده است: امین‌الدین محمد بن زین‌الدین علی بن ضیاء‌الدین مسعود بن نجم‌الدین محمد بن علی بن احمدبن عمر بن اسماعیل بن ابی‌علی حسن الدقاق نیشابوری بن علی بن محمدبن اسحاق بن عبدالرحیم بن اسحاق (سخاوی، ۱۳۵۵ ق، ج ۱۰، ص ۲۱). وی از جمله صوفیان متعادلی است که حتی حافظ شیرازی سخت‌گیر و طعنه‌زن به مشایخ زمانه را به تمجید از خود واداشته است:

دگر بقیه ابدال شیخ امین‌الدین
که یمن همت او کارهای بسته گشاد
شیخ، شافعی مذهب و از نسل شیخ ابوعلی دقاق نیشابوری، صوفی مشهور قرن چهارم خراسان بود و چنان که نسب روشن او می‌نمایاند، علوی نبود و در تمام متون دوران خود نیز به «شیخ» و «شیخ الاسلام» شهره بوده است.

اوحدی بلیانی که خود از این خاندان است در کتابش موسوم به عرفات العاشقین درباره بقعه شیخ امین‌الدین و مواجهه شاه اسماعیل صفوی در آغاز حکومت با این مزار و خانقاه اشاره‌ای مستقیم دارد که نکات قابل‌توجهی در خود دارد. او شکستن تقدس و حرمت مشایخ به وسیله تخریب و به آتش کشیدن اماکن مورد احترام اهل سنت را سیاست شاه اسماعیل صفوی برای ترویج تشیع می‌داند (البته نگرش خاصی از تشیع که مستمسک او برای حکومت قرار گرفته بود). اوحدی تأکید می‌کند که او بدین‌منظور جسد مشایخ و بزرگان مدفون در اماکن مقدس را از گور بیرون می‌آورد و می‌سوزاند. وی می‌افزاید، پس از آن که شاه صفوی با مقبره و جسد شیخ کبیر ابو عبدالله خفیف و دیگران چنین کرد، تخریب مزار و خانقاه شیخ امین‌الدین بلیانی را نیز قصد می‌کند اما به دو دلیل از این کار منصرف شده و حتی معتقد شیخ می‌شود: یکی سکندری خوردن اسب او در هنگام فرمان‌دادن به این امر، و دیگر مشاهده گنبد مزار او که دوازده ترک (یعنی به تعداد امامان شیعی) ساخته شده بود. (اوحدی بلیانی، نسخه خطی شماره ۵۳۲۳، برگ ۱۱۳ ب.).

از آن به بعد، شخصیت شیخ امین‌الدین و مزار او هویتی تازه یافت، هویتی منطبق با اهداف مذهبی صفویان. یعنی این شیخ صوفی سنی به سیدی شیعی تبدیل شد و خانقاه او به بقعه «امامزاده واجب‌التعظیم» بدل گردید. سنگ گور شیخ نیز در همین زمان بازسازی و در ابتدای نام و نسب او و اجدادش کلمه «سید» افزوده شد (محمودبن عثمان، مفتاح، ۱۳۷۶،

مقدمه چهل و شش). بدیهی است در راستای هدف تحریف این شخصیت و این مکان، اسناد متعلق به این بنا نباید روندی مغایر با سیاست جدید صفویان داشته باشد. از وقفنامه‌های متعلق به آستانه شیخ امین‌الدین بلیانی اکنون چهار سند با تاریخ‌های ۷۱۵، ۸۲۵، ۸۶۰ و ۸۹۹ ق. در دست است.^۱ این اسناد پس از گذشت چندصدسال همچنان ملاک عمل متولیان و اداره اوقاف کازرون در گردآوری و مصرف درآمد موقوفات این بقعه است. برای رعایت اختصار، در اینجا تنها از منظر تغییرات مذهبی، این اسناد را مورد بررسی قرار داده و به دیگر نکات سندشناسانه چون خط و کاغذ و سبک نگارش که گاه به تنهایی دلیلی قاطع بر جعل یا تحریف یک سند می‌تواند باشد، نمی‌پردازیم. نیز به خاطر شباهت روش تحریف، شواهد را تنها از دو سند کهن‌تر نقل می‌کنیم.

نمونه اول، وقفنامه ۷۱۵ ق آستانه شیخ امین‌الدین بلیانی، کازرون

کهن‌ترین وقفنامه این مجموعه، متعلق به سال ۷۱۵ ق. است. (تصویر ۱) طی این سند، شیخ امین‌الدین بلیانی با ساخت چشمه بمشق و تعمیر قنات قرچه، آب خانقاه علیا و نیز بخشی از آب مردم شهر را تأمین کرده است. ذکر حکایتی در این باب در کتاب سیرت‌نامه شیخ امین‌الدین به ساخته شدن این چشمه توسط او تصریح شده است. تولیت این موقوفه به تنها فرزند شیخ امین‌الدین، یعنی محب‌الدین محمد و فرزندان ذکور او نسل بعد نسل واگذار شده است. نسخه موجود، رونوشت مصدق وقفنامه است که به استناد تاریخ موجود در یکی از مهرهای سند، متعلق به قرن سیزدهم ق. است (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۷۱، صص ۶۸-۷۲).

در متن این سند، عباراتی مذهبی دیده می‌شود که بی‌تردید نه با مذهب و مشرب شیخ سازگار است نه با سبک نگارش قرن هشتم ق.. به عنوان نمونه در خطبه سند، پس از تحمیدیه و تصلیه، عبارات و تعبیرات ذکر شده در باره علی (ع) چنین است:

«... لا سیمّا اخیه و احبهم الیه و وزیره و وصیه و خلیفته من بعده، سید الوصیین و نظام‌الدین، ابی‌الأئمه و سراج‌الامّه، ذی الفضایل و المناقب و المعصوم من المعایب و المثالب، امام المشارق و المغرب، امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب، مخ المکارم و اسّ المفخر، صلواة الله و سلامه علیه و علیهم اجمعین...».

در بخش ذکر نام واقف و متولیان دوره‌های بعد که از فرزند شیخ امین‌الدین و نیز فرزندان عمومی او، اوحالدین عبدالله بلیانی سخن رفته است، بارها از تعبیرات «سید»، «سیادت‌پناه»، «سید جلیل‌القدر»، و یا «مرتضوی انتساب» استفاده شده است. جالب آن که در ادامه بحث تولیت، و در صورت بلاعقب ماندن متولی و عموزاده‌ها، تولیت به «عالمی از علمای ملت ناجیه امامیه کازرون» واگذار شده است. تعبیر اخیر به معنای شیعه بودن مردم کازرون در اوایل قرن

۱. همه این اسناد در زمان مطالعه در بایگانی کوچک اداره اوقاف شهرستان کازرون نگهداری می‌شد و سپس به آرشیو مرکزی سازمان اوقاف در تهران منتقل شده‌اند.



هشتم است. موضوعی که شواهد موجود خلاف آن را به اثبات می‌رساند.

این روند در بخش سجلات سند نیز تکرار شده است. به اضافه آن که در این بخش نام گواهان سند هم از این تصرف به دور نمانده و هیچ نمونه‌ای از نامه‌های خاص اهل سنت و مشاهیر معاصر شیخ در نام تأییدکنندگان سند اصل دیده نمی‌شود؛ بل که به عکس نامه‌هایی چون محمدتقی و محمدجعفر و حسین علی که بی‌تردید از نامه‌های رایج دوره صفوی به بعد است، به وفور دیده می‌شود. تغییر نام در نگاه نخست امری عجیب می‌نماید اما لازم به ذکر است که زمینه اجتماعی وجود تعصب افراطی، حتی در تغییر نامه‌های خاص اثرگذار بوده است تا آنجا که نام نویسنده سیرتنامه شیخ امین‌الدین بلیانی، در تنها نسخه خطی موجود از کتاب *جواهر‌الأمینیة*^۱ (موجود در کتابخانه مرعشی قم) از محمودبن عثمان، به «محمودبن علی» تغییر داده شده است.

تاریخ تنظیم سند دوم سال ۸۲۵ ق. و واقف آن قاید شمس‌الدین یار امیر بلمینی است. (تصویر ۲) در این سند، ده رقبه از مزارع و اراضی واقع در منطقه نوبندگان و شولستان فارس بر بقعه شیخ امین‌الدین وقف شده است. تولیت این موقوفات، بدون ذکر نام، به اولاد ذکور محب‌الدین محمد فرزند شیخ امین‌الدین سپرده شده است. در این سند نیز تمام موارد ذکرشده در سند پیشین در خطبه سند و تاکید بر سیادت شیخ و فرزند و عموی او و نیز تعبیر «ملت ناجیه امامیه کازرون» با همان عبارات پیشین ذکر شده است.

این سند یکصد گواهی و مهر دارد. تمام گواهان، به عنوان شاهد بر موضوع وقف، سند را تأیید کرده‌اند و هیچ سجلی دال بر تایید رونوشت‌برداری بر این سند دیده نمی‌شود. در واقع تلاش شده است تا این نسخه یک سند اصیل نمایانده شود و نه یک سند رونوشت. این مورد، نمونه‌ای خاص در حوزه تحریف سند است.

سند سوم، نسخه رونوشتی از وقف‌نامه مورخ ۸۶۰ ق. است. این سند تکمله‌ای بر وقف‌نامه پیشین است. (تصویر ۳) واقف، قاید شمس‌الدین محمد، نوه قاید شمس‌الدین یار امیر بلمینی است. وی رقباتی که جدش قصد وقف کردن آن‌ها را داشته و در زمان حیات موفق به این کار نشده را به موقوفات جدش بر بقعه شیخ امین‌الدین اضافه کرده است. نام متولی این وقف، عبدالغفار بن مقصود امینی ذکر شده اما نسبت او با محب‌الدین محمد، فرزند شیخ امین‌الدین روشن نشده است.

آخرین سند این آستانه هم مورخ ۸۹۹ ق. است. طی این سند، هفت تن از رؤسا و زمین‌دارن منطقه سامغان از بخش کوهمره کازرون، هشت رقبه از اراضی این منطقه را بر مقبره شیخ امین‌الدین وقف کرده‌اند. در این سند نیز بدون ذکر نام مشخصی، تولیت به فرزندان ذکور محب‌الدین محمد واگذار شده است. این سند رونوشت، خطبه عربی ندارد اما در خطبه فارسی پس از درود بر پیامبر، تعبیر «و اولاد گزیده آن حضرت» ذکر شده و همچنان بر سیادت شیخ امین‌الدین و شیخ عبدالله بلیانی تاکید شده است.

۱. نسخه خطی شماره ۱۰۶۲۲ کتابخانه مرعشی قم.



نمونه دوم: آستانه شاه میر علی حسین بهبهان

در مجموعه اسناد متعلق به این آستانه که در خاندان متولی بنا محفوظ است، سندی مورخ ۸۰۳ ق. وجود دارد (طباطبایی منصور، محمد ۱۳۸۱، صص ۱۳-۲۴). بر اساس این سند، خلیفه وقت شاه بابا ولی (متوفای ۷۳۰ ق.) در سال ۸۰۳ ق.، طی این حکم، تولیت بقعه شاه میر عالی حسین بهبهان را به شخصی موسوم به سید شرف‌الدین حسن واگذارده است. نسخه موجود رونوشتی متعلق به دوره صفوی به تاریخ ۹۱۲ ق. است. (تصویر ۴)

مولانا جمال‌الدین بهبهانی مشهور به شاه بابا ولی، صاحب کتاب *البحر الحاوی للصغیر* یا *تحریر الفتاوی*، متولد ۶۴۸ و متوفای ۷۳۰ ق. است. وی بنا به تصریح منابع، فقیه و صوفی شافعی‌مذهب بود (اسنوی (۲۰۰۱)، ج ۱، ص ۲۹۱؛ عبدالحی بن احمد الحنبلی، ۱۴۰۶ ق، ج ۶، ص ۹۵).

آستانه میر عالی حسین در دوره صفوی مورد توجه قرار داشته است. بر اساس کتیبه درب چوبی بقعه، این بنا به تاریخ ۱۰۵۳ ق.، در زمان شاه عباس دوم بازسازی و تعمیر شده است (اقتداری، ۱۳۵۹، ص ۳۱۳. گاوبه، ۱۳۵۹، صص ۳۹۳-۳۹۶). حکم تولیت صادرشده از سوی شاه سلطان حسین صفوی به تاریخ ۱۱۰۸ ق نیز دلیل دیگر این توجه خاص است (اقتداری، ۱۳۵۹، ص ۳۱۳؛ گاوبه، ۱۳۵۹، صص ۳۹۳-۳۹۶). این مقبره را نیز می‌توان همچون مقبره شیخ‌امین‌الدین از مواردی دانست که هویت آن بر اساس سیاست پیش‌گفته صفویان به «امام‌زاده بحق» تغییر داده شده است.

در خطبه این سند پس از تحمیدیه و تسلیه عبارت «و آله و اصحابه الطیبین الطاهرین» ذکر شده است. در بخش تولیت بقعه، آمده است: «تولیت آستانه مبارکه امام‌زاده بحق میر علی حسین مشهور به بهزاد» (به فارسی بودن نام توجه شود) به سید شرف‌الدین داده می‌شود و وی در «قرائت و ذکر لاله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله و اخذ نذور و فتوح و... مأذون و مرخص است» در پایان نیز عبارت «و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله اجمعین المنتجبین الاخیار و الطیبین الاطهار» آمده است. تاکید بر ضرورت ذکر «علی ولی الله» و تکیه بر شعائر تشیع صفوی در سند مورخ ۸۰۳ ق.، تردیدی در تحریف متن باقی نمی‌گذارد. در متن سند نیز بر خلاف تمام متون تاریخی نام شاه بابا به صورت عبدالحسین آمده است. بدیهی است این نام که در منابع یادشده به صورت عبدالحمید یا عبدالحلیم آمده است، نمی‌تواند ترکیبی اصیل و متعلق به پیش از دوره صفوی باشد.

تحریفات مذهبی انجام‌گرفته در پنج سند یادشده را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:
تحریف خطبه اسناد و سجلات با افزودن شعائر شیعی چون سلام بر علی (ع) و امامان شیعی،



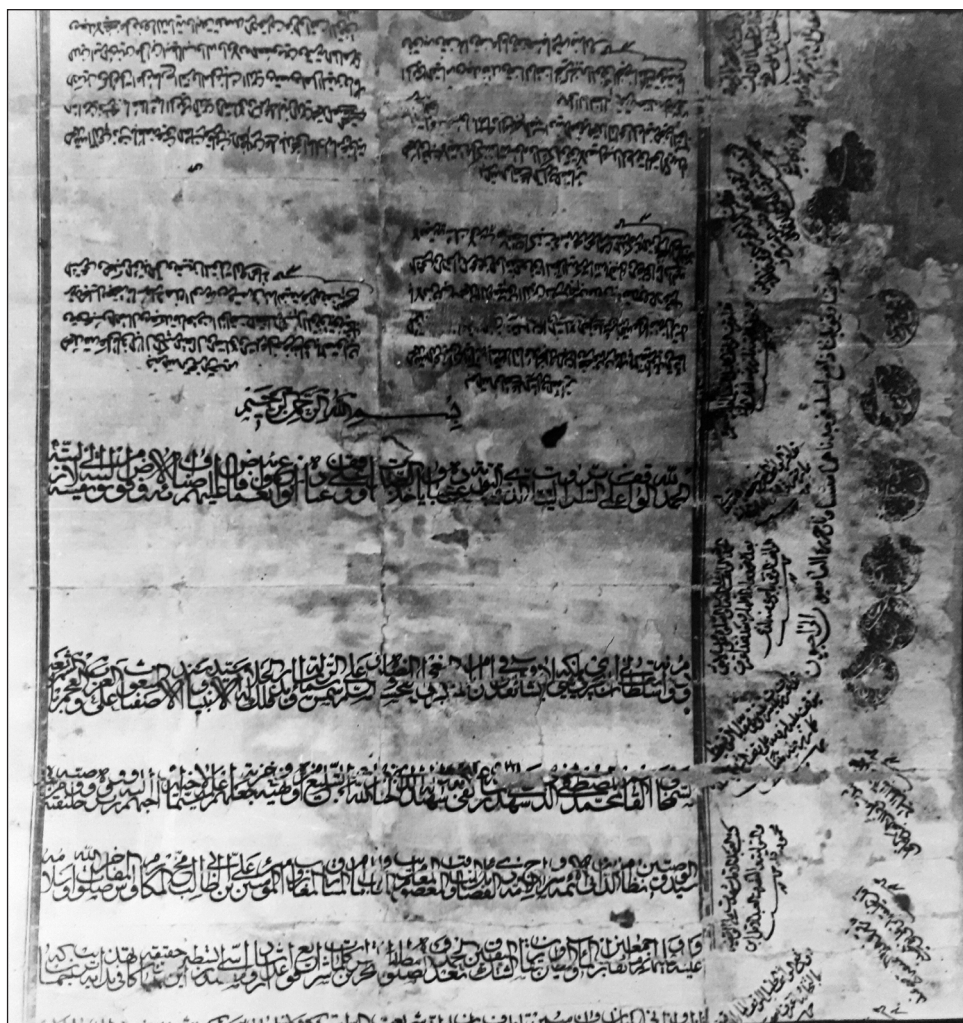
علوی نشان دادن شخصیت اصلی با افزودن کلمه سید یا امامزاده، شیعه نشان دادن مردم شهر با عباراتی چون «ملت ناجیه امامیه»، افزودن شعائر شیعی چون شعار «علی ولی الله» در اذان و نیز تغییر نام هایی که در فضای تعصب آلود پس از صفوی نامناسب می‌نموده است. بدیهی است در زمان بازسازی و تحریف متن سند، امکان تغییر مصارف و تولیت و هرگونه تغییر دیگری بنا به مصلحت، فراهم بوده است. چنان‌که در دو سند از اسناد آستانه شیخ امین‌الدین، انتساب شخص ذکر شده به شیخ امین‌الدین روشن نشده و یا با تعبیر کلی فرزندان محب‌الدین محمد، برخلاف اصول رایج وقف‌نامه‌نویسی، نامی از متولی ذکر نشده است. ذکر این نکته نیز لازم است که موضوع جعل سند به‌ویژه در وقف‌نامه‌ها و احکام تولیت که می‌تواند منافی به دنبال داشته باشد، امری رایج در همه دوره‌ها و حوزه‌هاست؛ اما موارد ارائه شده نه از نوع رایج جعل، بل که از یک‌سو نشان از سیاست مذهبی حاکم دارد و از سویی ضرورتی برای بقای اماکن و موقوفات بوده است. بنابراین نمونه‌های ارائه‌شده‌ای که تاریخ رونوشت‌برداری آن‌ها متعلق به پس از دوره صفوی است نیز قطعاً متأثر از فضای تعصب آلودی است که صفویان به وجود آورنده و آغازگر آن بودند.

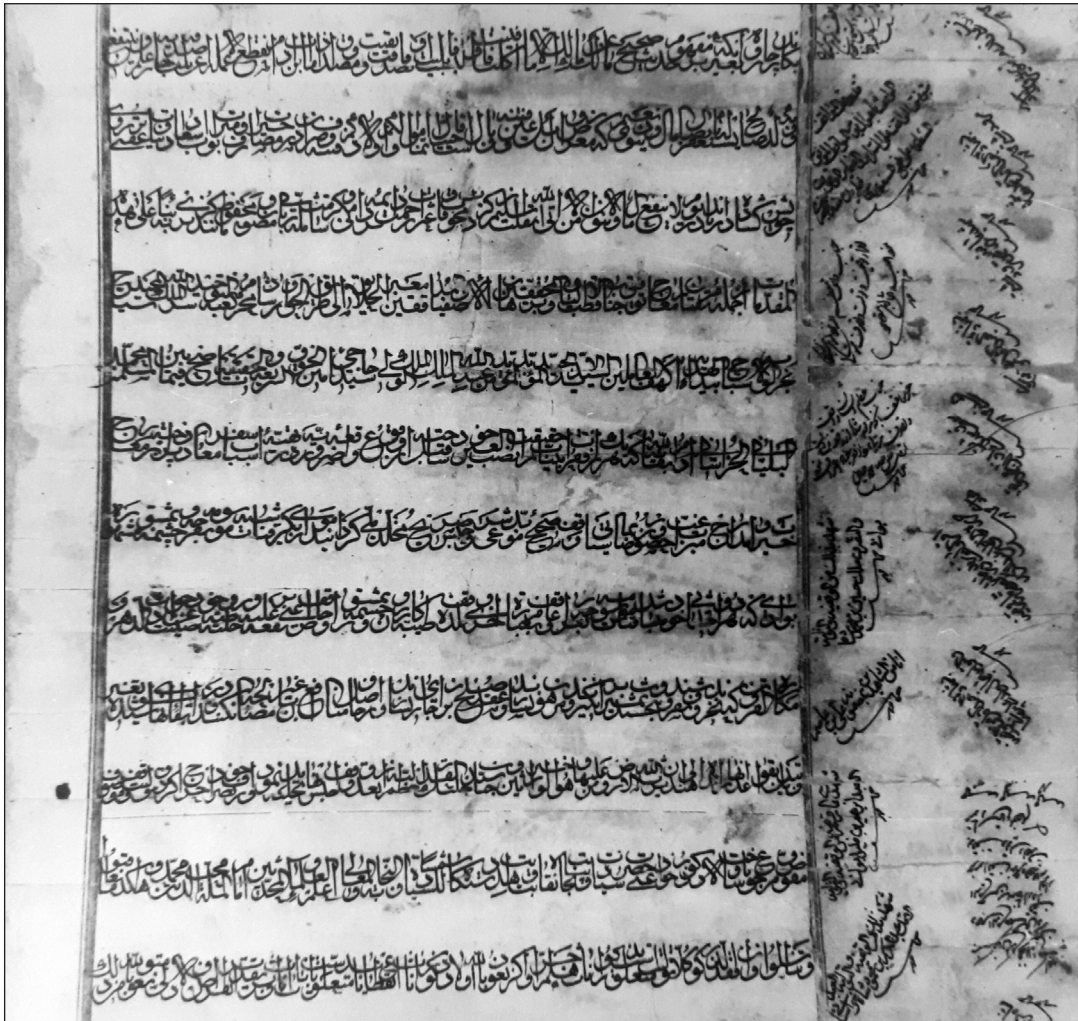
نتیجه‌گیری

برپایه مطالب یادشده، می‌توان مدعی شد که از بین بردن اماکن مورد احترام اهل سنت، علاوه بر اقتضای یک انقلاب مذهبی در آغاز دوره صفوی، به‌عنوان یک سیاست رسمی نیز پی‌گیری شده است. با توجه به آن که اینگونه مراکز، مکان‌های مهم نگه‌داری اسناد نیز بوده‌اند، این رفتار صفویان عملاً منجر به نابودی بسیاری از بایگانی‌ها پیش صفوی شده است. بنابراین می‌توان در کنار دلایل بسیار نابودی بایگانی‌های کهن، نقش تأثیر «نگاه ایدئولوژیک» را نیز بسیار جدی گرفت. نمونه‌های ارائه‌شده، در عین حال اثبات می‌کند که سیاست دیگر صفویان، تحریف شخصیت‌ها و اماکن مذهبی و خانقاهی و مصادره آن‌ها به نفع اندیشه خویش است. یعنی همان‌گونه که آنان نسب خود را جعل کرده و از شیخ صفی صوفی سنی مذهب، شیعه علوی ساختند (کسروی، ۱۳۲۱)، این موضوع را در باره خاندان‌ها و اماکن دیگری که اهمیت دادن بدانها خطری برای آنان به دنبال نداشت نیز به کار داشته‌اند. بدیهی است در این صورت باز هم اسناد کهن می‌بایست از بین بروند تا هویت جدید بتواند به مرور جای‌گزین گردد. همچنین با توجه به سند مورخ ۸۲۵ ق. آستانه شیخ امین‌الدین که به‌عنوان سند اصل بازنگاری شده، می‌توان نوع متفاوتی از تحریف و جعل را در لباس نسخه اصل نشان داد. نتیجه اثبات این موضوع، تردید کردن در درستی اسنادی است که چه به‌عنوان سند اصل و چه رونوشت با تاریخ پیش از دوره صفوی در دست است.



در پایان با توجه به کمبود و پراکندگی اسناد پیش صفوی، بر ضرورت ایجاد یک بایگانی مجازی برای اسناد این دوره ایران تأکید می‌نمایم. آرشیوی که با تهیه تصاویری از اسناد مجموعه‌های شخصی، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و بایگانی‌های کشورهای که با ایران رابطه سیاسی و فرهنگی داشته‌اند و به‌ویژه گردآوری متن اسناد نقل شده در کتب منشآت، شروط و وثائق، راه را برای انجام مطالعات تاریخی پیش صفوی بر اساس اسناد هموار کند.





[illegible][illegible]

٦
الحاج ابي محمد
علاء الدين الوائلي شيخ
ملاطية

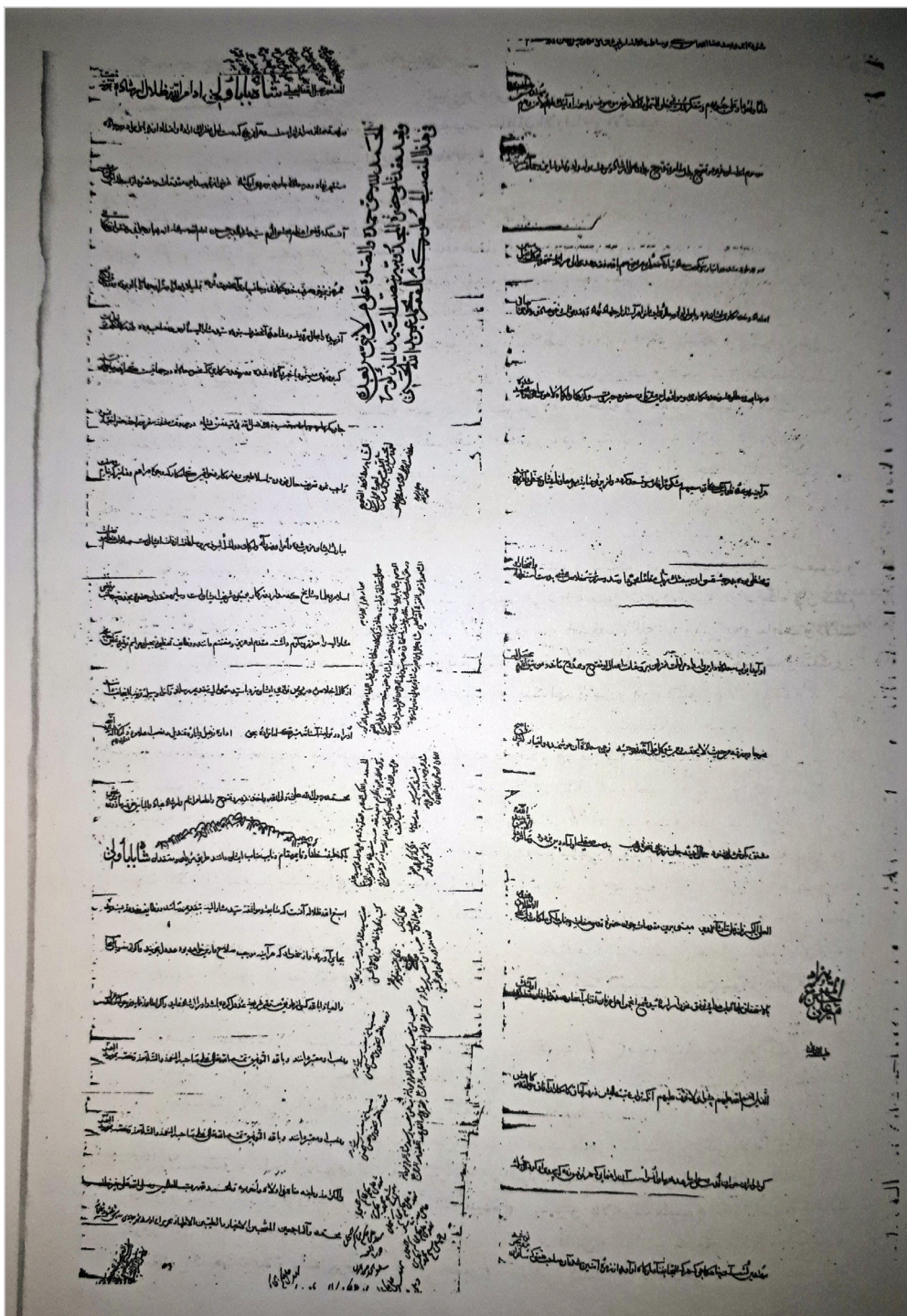
فلا تفتروا على الله دجالاً بظنه
يجمع ما يريتموه من الجلالة

(V)

٧
لقد عرفت اني قد فخرت به التوفيق وجميع ما اتيه علي
لهذا سر علي ورضي الله العليم بالصواب كما ارضيت من كل واحد

الحمد لله الذي
هو





فهرست منابع

- اقتداری، احمد. (۱۳۵۹). خوزستان و کهکیلویه و ممسنی، تهران، انجمن آثار ملی.
- اوحدی بلیانی، عرفات العاشقین و عرصات العارفین، نسخه خطی کتابخانه ملی ملک، شماره ۵۳۳۳، برگ ۱۱۳ ب.
- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۶). «اسناد آستانه نورالدین علی غازی اردکانی»، نامه آستان قدس، سال سوم، ش سوم، شماره مسلسل ۳۱، صص ۱۱۱-۱۲۹.
- دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۴۴). «اسناد آستانه نیاک»، نشریه نسخه‌های خطی، دفتر چهارم، صص ۴۸۱-۴۴۸.
- رشیدالدین فضل‌الله همدانی. (۱۳۹۸). جامع التواریخ، به تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳، ج ۲.
- سیدی، مهدی. (۱۳۸۶). مسجد و موقوفات گوهرشاد، قم، کومه.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۳). «نقش ایدئولوژیک نسخه بدله‌ها»، نامه بهارستان، ش ۹-۱۰، صص ۹۳-۱۱۰.
- شیخ الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۷۱). «بازخوانی یک وقفنامه، سند مورخ ۷۱۵ قمری»، وقف میراث جاویدان، سال اول، شماره اول، صص ۶۸-۷۲.
- شیخ الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۷۶). در مقدمه: مفتاح الهدایه و، صچه‌ل و شش.
- شیخ الحکمایی، عمادالدین. (۱۳۸۷). فهرست اسناد بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی در موزه ملی، سازمان اوقاف و ...، تهران، کتابخانه مجلس و موزه ملی ایران.
- اسنوی، عبدالرحیم بن حسن. (۲۰۰۱ م). الطبقات الشافعیه، ج ۱، (بیروت، دارالکتب العلمیه).
- عبدالحی بن احمد الحنبلی، (۱۴۰۶ ق)، شذرات الذهب، ج ۶، (بیروت، دار ابن کثیر).
- قائم‌مقامی، جهانگیر. (۱۳۵۰). مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۵۰.
- کسروی، احمد. (۱۳۲۱). شیخ صفی و تبارش، تهران، پیمان.
- گاوبه، هانیس. (۱۳۵۹). ارجان و کهکیلویه از فتح عرب تا پایان دوره صفوی، ترجمه سعید فرهودی، ادیت و تحشیه احمد اقتداری، تهران، انجمن آثار ملی.
- مایل‌هروی، نجیب. (۱۳۸۰). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح نسخه‌های خطی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد
- سقاوی، محمدبن عبدالرحمن. (۱۳۵۵ ق). ضوء الالامع لاهل القرن التاسع، قاهره، مکتبه القدس، ج ۱۰، ص ۲۱.
- طباطبایی منصور، محمد. (۱۳۸۱). «سندی کهن از بقعه شاه بابا ولی بهبهان»، وقف، میراث



جاویدان، س ۱۰، ش ۱، ش مسلسل ۳۷، صص ۱۳-۲۴.
 محمودبن عثمان، (۱۳۷۷). *مفتاح الهدایه و مصباح العنايه*، پژوهش عمادالدین شیخ/الحکامی،
 تهران، روزنه.
 محمودبن عثمان، جواهر/لامینی، نسخه خطی شماره ۱۰۶۲۲ کتابخانه مرعشی قم.
 مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۵۲). *همو، فرمانهای ترکمانان قراقویونلوها و آق قویونلو، قم، حکمت.*
 مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۵۵). *تربت پاکان: آثار و بناهای قدیمی محدوده کنونی دارالمؤمنین*
 قم، قم، انجمن آثار ملی، ۵، ج ۲.
 مدرسی طباطبایی، حسین. (۱۳۶۱). *برگی از تاریخ قزوین، قم، کتابخانه مرعشی.*

- Little, Donald P. (1984). *The haram Documents as Sources for the Arts and Architecture of the Mamluk Period*, Muqarnas, N.2.
- Papazian, H. D. «Deux nouveaux iarlyks d'ilkhans», banber Matenadaran, (1962). Vol 3 (1968). (ترجمه فارسی در: وقف میراث جاویدان، ش ۲۹)، (سال هشتم، بهار ۱۳۷۹، ش ۲۹، صص ۱۳۲-۱۲۳)
- Haffmann, Birgitt. (1990). «Die islamischen, frommen stiftungen und probleme ihrer Erforschung in Iran, forschungs forum, heft 2. pp. 117- 122.
- Documents et histoire, Islam, VIIe-XVIe siècle - Actes des premières Journées d'étude internationales, Ecolepratique des hautesétudes, IVe section, Paris, 16 et 17 Mai 2008, pp. 137-154..

